یادداشت

انرژی‌های نو به‌مثابه یک پدیده فانتزی

پویا نعمت‌اللهی

● «انرژی خورشیدی برای ایران «خوب»، اما «گران» است».

آیا این جمله را می‌توان به‌مثابه نگاه تصمیم‌گیران به انرژی‌های تجدیدپذیر تلقی کرد؟

پاسخ به این سؤال، سهل و ممتنع است. ممتنع از این بابت که انرژی‌های نو در کشور، همواره یک پدیده فانتزی به‌شمار می‌رفته و پرداختن به آن، همواره تابعی از شرایط عمومی اقتصاد کشور (بخوانیم: قیمت نفت!) بوده است و «سهل» از این بابت که مسئولان به‌طور مرتب درباره لزوم صرفه‌جویی صحبت می‌کنند و اعلام می‌دارند تناسب قابل‌قبولی بین میزان تولید و مصرف برق وجود ندارد. درحال‌حاضر عمده برق کشور از دو محل نیروگاه‌های حرارتی و نیروگاه‌های هیدروپاور تولید می‌شود و سهم تجدیدپذیرها هم بسیار اندک است. طبق مطالعات یک شرکت معتبر آلمانی؛ اگر مساحتی معادل ۱۰۰×۱۰۰ کیلومترمربع زمین را به ساخت نیروگاه خورشیدی فتوولتائیک اختصاص دهیم، برق تولیدی آن معادل کل تولید برق کشور در سال ۱۳۸۹ خواهد بود.

*با وجود این، معضل «گرانی» برق خورشیدی می‌تواند عاملی برای کنار گذاشتن آن باشد؟

این سؤال را در دو محور بررسی خواهیم کرد؛

محور اول، توجه به معاهدات کربن در سطح جهانی است.

تاکنون رویه این بوده که هر کشوری مجاز به تولید میزان مشخصی از کربن در طول سال است، اما مشکل اینجاست که کشورها امکان خرید «سهم کربن» یکدیگر را پیدا کرده‌اند. در اجلاسی، که به‌زودی در اروپا برگزار خواهد شد، گفته شده است تصمیماتی جدی درباره محدودکردن موضوع تجارت کربن اتخاذ خواهد شد. واقعیت این است که نمی‌توانیم غیرمسئولانه هر مقدار کربن را وارد اتمسفر کنیم و انتظار هیچ تبعاتی را هم نداشته باشیم (مانند جریمه یا برخوردارنشدن از مزایای احتمالی آتی در سطح جهان). طبق ترازنامه انرژی کشور، بخش نیروگاهی رتبه دوم انتشار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای را در اختیار دارد (بعد از بخش حمل‌ونقل). در سال ۱۳۹۳، میزان تحویل گاز طبیعی (به‌عنوان یک سوخت کم‌آلاینده‌تر) به نیروگاه‌ها حدود ۱۵ میلیارد مترمکعب افزایش یافت، اما این میزان در آینده کفایت نخواهد کرد و مشکل همچنان به قوت خود باقی است. ظرفیت اسمی نیروگاه‌های خورشیدیِ در اختیار وزارت نیرو در سال ۹۱، حدود ۰٫۰۶۹ مگاوات بود (ظرفیت عملی هم به همین میزان ثبت شده است) و در همین سال حدود ۶۳۸۰۰ کیلووات ساعت برق خورشیدی تولید شده است. اما محور دوم، توجه به هزینه‌های تولید و فناوری‌های مربوطه است، هرچند ممکن است به‌لحاظ مواردی چون نرخ ارز یا فناوری‌های مربوطه، عملا هزینه‌های تولید انرژی خورشیدی «زیاد» به‌نظر برسد، ولی اطلاعات موجود نشان داده از سال ۲۰۱۱، انحصار شرکت‌های صاحب فناوری خورشیدی شکسته شده است. این وضعیت به‌مثابه کاهش قیمت تمام‌شده تولید این انرژی است؛ کمااینکه در سال جاری برآورد رشدی بالای ۳۰ درصد برای تولید پنل‌ها به‌عمل آمده و نسبت‌به سال ۲۰۱۰، قیمت پنل‌ها ۶۶ درصد کمتر شده است. این شکست انحصار، نتیجه سرمایه‌گذاری سه میلیارد دلاری چین از سال ۲۰۰۷ بوده که هم‌اکنون به ثمر رسیده است. گویا در دوره سه‌ساله آتی، حدود ۷۵ درصد از کل مصرف پنل‌ها، توسط کشور چین تأمین خواهد شد. قرار است این کشور تا سال ۲۰۳۰، حدود ۲۰ درصد از نیازهای انرژی خود را از طریق تجدیدپذیرها تولید کند، حتی برآورد مقامات چینی هم از ۱۲ گیگاوات به ۱۷٫۸ گیگاوات برای سالِ‌جاری رسیده است. چنان‌که در جدول زیر آمده است، میزان هزینه استفاده از سلول‌های خورشیدی برای تولید یک «وات» برق، از رقم بالای ۱۶ دلار در سال ۱۹۸۰، به حدود زیر یک دلار در سال ۲۰۱۲ نزول کرده است. مثال جالب این است که وقتی یک تلفن همراه فوقِ پیشرفته به بازار می‌آید، معمولا اغلب مردم تمایلی به خرید آن ندارند، اما پس از گذشت مدتی، قیمت‌ها تعدیل می‌شوند و خیلی از مردم توانایی خرید آن را پیدا می‌کنند. در مورد انرژی خورشیدی، چه در بُعد کلان و چه در بُعد خرد، مشابه این وضعیت برقرار است؛ به این معنا که هرچند این انرژی ممکن است در مقایسه با برق حرارتی، گران‌تر باشد، اما به‌واسطه تحولات و نوآوری‌ها و بومی‌سازی آن، به‌تدریج شاهد «تعدیل» قیمت آن هم خواهیم بود. اساسا نگاه قیمتی در این حوزه از انرژی، چندان راهگشا نیست. تجربه‌های کشورهای دیگر می‌تواند چراغ راهِ پیشِ‌روی کشورمان قرار گیرد. حتی اگر نگاه قیمتی هم حاکم باشد، آن‌گاه باید با دقت تمام، جداول «هزینه-فایده» را در سال‌های متوالی و با درنظرگرفتن عواملی نظیر هزینه‌های نصب، هزینه‌های راهبری و نگه‌داشت و تعمیرات، هزینه‌های تأمین سوخت، هزینه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی، ظرفیت‌های اسمی و عملی، توان تولید، بازدهی و خیلی موارد دیگر، تدوین و تنظیم کنیم.

به هر تقدیر، اینکه انرژی خورشیدی «گران» است، هرگز دست‌آویز قابلِ قبولی برای سهل‌انگاری و تسامح در به‌کارگیری آن نخواهد بود!

نقش برجسته حسابداری در استقرار نظام‌های مردمی

نگاه استاندارد گذار دولتی توسعه‌محور نیست

غلامحسین دوانی[۱]. بهروز خدارحمی[۲]

غلامحسین دوانی

بهروز خدارحمی

سالیان درازی پیش، افلاطون معلم اول اخلاق تأکید کرده بود که اخلاق در دو حوزه کاربرد ندارد؛ «جنگ و تجارت». اما امروز در عصر جهانی‌شدن، بی‌اخلاقی معضل اساسی رفتار اجتماعی- اقتصادی افراد و نهاد اقتصادی شده به‌طوری‌که سرسلسله بحران‌های اقتصادی را «سقوط اخلاق در حوزه اقتصاد» قلمداد کرده‌اند و بی‌اخلاقی همچون فیلی مست پا بر ارزش‌های اجتماعی نهاده و سنن و باورهای درست جامعه را به ضدارزش تبدیل کرده است. بسیاری از اندیشمندان اجتماعی- اقتصادی بر نقش فرهنگ و اخلاق در بسترسازی مناسبات اجتماعی- اقتصادی تأکید کرده به طوری که امروزه بنگاه اقتصادی یا نهاد اجتماعی بدون «منشور اخلاقی» مشابه یک پیکر بدون تفکر هستند. تأکید بر اخلاق در حوزه‌های اجتماعی- اقتصادی به مثابه فرهنگ برون‌رفت از معضلات کنونی تلقی می‌شود؛ بنابراین در شرایط کنونی که بحران فرهنگی- اخلاقی بر بیشتر جوامع حاکم شده تأکید بر رفتار اخلاقی مبتنی بر فرهنگ بومی و فرهنگ‌سازی برای نیروی انسانی جهت پرورش عملکرد مبتنی بر اصول از جمله پیش‌شرط‌های موفقیت در عصر جهانی‌شدن به‌شمار می‌رود. به همین علت اخلاق به‌عنوان دستگاه هماهنگی از معیارها، اصول، قوانین و آرمان‌ها نامیده می‌شود، زیرا در اخلاق، یک مضمون نهانی وجود دارد که مشخص‌کننده محتوای اصول و معیارهای مشخص آن است. در روش شناسایی حرفه‌ای اخلاق، همه راه‌هایی (راه‌هایی که خود ناگزیر می‌دانند یا در موارد نابجا به آن متوسل می‌شوند) که مخصوص جریان‌های غیرحرفه‌ای و غیراخلاق است، کنار گذاشته شده و عمل اخلاقی و رفتار اخلاقی هر عضو جامعه در شرایط کنونی، همراه با جنبه تحلیلی آن مدنظر قرار می‌گیرد. درک مفهوم خواسته‌های اخلاقی، عقلانی‌بودن و مفیدبودن این مفهوم‌هاست.

چرا مسئولیت؟!

برای بسیاری بازیگران حوزه اقتصاد، چرایی مسئولیت‌پذیری مورد سؤال قرار دارد. آنان بر این باورند که فعال اقتصادی باید بنگاه را به هر طریق سودآور کند و لاغیر. اما مکاتب مختلف مدیریت و طرفداران اقتصاد رفتاری بر این باور هستند که:

۱- همان‌گونه که افراد به‌عنوان اشخاص حقیقی مسئول هستند، بنگاه‌ها نیز به‌عنوان شخصیت حقوقی مسئولیت دارند.

۲- اخلاق حرفه‌ای در مفهوم نوین آن بر اصل «محیط حق دارد و سازمان تکلیف» بنا نهاده شده است.

اختیار و مسئولیت ملازمه تام دارند به این طریق که اختیار بدون مسئولیت یا مسئولیت بدون اختیار توجیه عقلی ندارد. گفته می‌شود از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است به‌ناچار مسئولیت اجتماعی دایره بس وسیع‌تری از مسئولیت فردی دارد؛ زیرا حیطه اختیار و مسئولیت افراد بخشی از محدوده اختیار و مسئولیت اجتماعی آنان است و نه برعکس. در آغازین سال‌های سرمایه‌داری رشد شتابان صنعت و تولید و دگرگونی‌های عظیم حاصل از آن اندک مجالی به مباحث نظارت عمومی نداد، اما پاره‌ای اتفاقات جهانی سیاسی- اقتصادی نظیر بحران ۱۹۲۹، جنگ دوم جهانی، مسائل زیست‌محیطی، موضوع رفاه اجتماعی و مبحث دولت‌های پاسخ‌گو باعث شد مقوله مسئولیت اجتماعی وارد مدار تازه‌ای از تاریخ تکاملی اقتصادی جهان شود. آیا می‌توانیم این نظریه اقتصادی خرد را که حداکثر ساختن سود مستقیما موجب حداکثرشدن منافع اجتماعی می‌شود، بپذیریم؟ پاسخ افراد آموزش‌دیده در دیگر رشته‌ها اغلب واقع‌بینانه‌تر است و می‌توان آن را نیز به این شکل خلاصه کرد: «خیر، زیرا سودطلبی بی‌حدوحصر ما را به ناکجاآباد می‌رساند. رشوه، مسائل محیط‌زیست، محصولات ناایمن، کارخانه‌های تعطیل‌شده و کارگران آسیب‌دیده می‌تواند با سوددهی بیشتر هم همراه باشد، آیا این گزارش امروز مقبول است؟ درواقع، ما به چیزی بیش از سود نیاز داریم تا تعهدات شرکت را نسبت به جامعه بسنجیم».

«برخی معتقدند در بازارهای آزاد کاملا رقابتی، سودجویی به خودی خود تضمین می‌کند که اعضای جامعه به بهترین شکل از خدمات اجتماعی بهره خواهند برد. برای سودبخش‌بودن، هر شرکت باید تنها آنچه را جامعه می‌خواهد تولید کند و باید این امر را با بهره‌گیری از مؤثرترین ابزار موجود انجام دهد. اگر مدیران جامعه، ارزش‌های خود را به یک شرکت تجاری تحمیل نکنند و به کسب سود بپردازند و خود را به تولید مؤثر آنچه جامعه ارزش می‌نهد مشغول کنند، اعضای جامعه بیشترین بهره را خواهند برد.

از طرفی دیگر در چارچوب بنیادین حکومت‌های مردم‌سالار مبتنی بر حساب‌دهی، شفاف‌سازی، مسئولیت و پاسخ‌گویی، چنانچه حسابداری را فرایند جمع‌آوری، طبقه‌بندی، تلخیص، تجزیه‌وتحلیل و جمع‌بندی اطلاعات (حساب‌دهی و ارائه اطلاعات و صورت‌های مالی) و حسابرسی را فرایند اطمینان و اعتباربخشی این اطلاعات (شفاف‌سازی) بدانیم، نقش برجسته حسابداری در استقرار نظام‌های مردم‌سالار دوچندان می‌شود.

برخی اقتصاددانان برخلاف اندیشه رفاه اجتماعی اعتقاد دارند به حداکثررساندن سود منجر به رفاه جامعه می‌شود، شالوده این تئوری اقتصادی توسط «جیمز مک‌کی و میلتون فریدمن» به شرح ذیل بیان شده است:

«هدف اولیه و عامل انگیزش یک سازمان تجاری، سود است. شرکت سعی می‌کند تا آنجا که بتواند سود را به حداکثر برساند تا بدون وسیله، کارایی سازمان را حفظ کرده و از مزایای موجود نوآوری و کمک به رشد استفاده کند. سودها از طریق رقابت بازار در حدی معقول و مناسب حفظ خواهند شد و شرکت را به پیگیری منافع شخصی خود تا آنجا که افزایش رفاه عمومی جزئی از تصمیم مدون خود نباشد، هدایت می‌کنند». این دو نفر مدعی هستند شرکت فقط‌وفقط یک مسئولیت اجتماعی دارد: استفاده از منابع خود و شرکت در فعالیت‌هایی که به منظور افزایش سود آنها طراحی شده است تا آنجا که در محدوده قواعد بازی باقی بماند، یعنی مشارکت در رقابتی آزاد و رایگان بدون هرگونه فریب و دغل‌کاری... . روندهای محدودی قادرند تا این حد، پایه‌های محکم جامعه ما را سست کنند که مدیران سعی کنند تا حد امکان برای سهام‌داران خود پول بسازند». این نظریه که درنهایت، خود به جنگ‌طلبی و نظامی‌گری گرایش دارد و به مکتب شیکاگو مشهور است، در دهه اخیر در قبال رسوایی‌های اخیر بازار سرمایه، ساکت باقی مانده است.

دیدگاه دست نامرئی و بازارهای آزاد بدون نظارت عامدانه، فراموش می‌کنند بیشتر بازارهای صنعتی کاملا رقابتی نیستند و بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند با وجود تولید ناکارا، سود خود را افزایش دهند. از طرف دیگر، هر قدمی برای افزایش سود برداشته شود، لزوما موجب افزایش منافع اجتماعی نخواهد شد. عدم کنترل و رسیدگی به آلودگی‌های خطرناک، تبلیغات فریبنده، پنهان‌کردن خطرات محصول فریب، رشوه و فرار از مالیات، منافع جامعه را تهدید می‌کند. شرکت‌ها نیز آنچه را عموم مردم می‌خواهند، تولید نمی‌کنند، در عمل نیازهای بخش بزرگی از جامعه (قشر فقیر و محروم) تأمین نمی‌شود، زیرا آنها نمی‌توانند به طور کامل در بازار شرکت کنند. اما افشای کامل اطلاعات و رعایت موازین اجتماعی و زیست‌محیطی در چارچوب شفاف‌سازی، امروزه به عنوان مؤلفه‌های گزارش خاص (Global Report Initiative GRI) درآمده است.

نکته حائزاهمیت دیگر آنکه در تعاریف جدید که برای توسعه بازارهای مالی تدوین شده ازجمله وظایف خاص حسابرسان، مسئولیت‌های اجتماعی (social responsibility) است. اما مسئولیت‌های اجتماعی دارای ابعاد و مختصات وسیع و گسترده‌ای است که چنانچه این ابعاد و مختصات تعریف و روشن نشوند، حسابرسان در یک پارادوکس (تناقض حرفه‌ای و اجتماعی) قرار خواهند گرفت. فارغ از گستره این ابعاد، آنچه مسلم است، وظیفه اصلی حسابرسان، اعتباربخشی به اطلاعات مالی و ایجاد شفافیت در بازارهای مالی است و به‌همین علت همه مسئولیت‌های سنتی و نوین حسابرسان صرفا در این چارچوب قابلِ بررسی و تبیین نخواهند بود. امروزه بنگاه‌های اقتصادی باید اصول جهانی هشت‌گانه‌ای که به مجموعه اخلاق جهانی در تجارت مشهور شده را رعایت کنند. این هشت مورد عبارتند از: مجموعه مقررات جهانی سازمان‌ملل‌متحد در مورد عدم گماردن کودکان به‌کار و مقررات حقوق بشر، مقررات سازمان جهانی کار، رهنمودهای اتحادیه اروپا، مجموعه مقررات ایزو سری ۱۴۰۰۰، مقررات پاسخ‌گویی سری ۱۰۰۰، مقررات حقوق بشر، اصول جهانی مسئولیت‌های اجتماعی موسوم به اصول سولیوان و مجموعه مقررات مسئولیت‌های اجتماعی سری ۸۰۰۰، که همه این موارد حکایت از آن دارد که به علت جهانی‌شدن سرمایه، ابعاد تقلب و فساد بین‌المللی و نابودی موارد زیست‌محیطی گسترش یافته و حسابداران نیز ناچار به فراگیری فنون و مهارت‌های جدید حسابرسی هستند که بتوانند مسئولیت‌های جدید خود را که در قالب نظام پاسخ‌گویی و مسئولیت‌های اجتماعی تبلور یافته، ایفا کنند. باید توجه کرد حاکمیت شرکتی فقط بخشی از محیط اقتصادی بزرگ‌تری است که شرکت‌ها در آن به فعالیت می‌پردازند که برای مثال شامل سیاست‌های اقتصادی کلان، میزان رقابت در محصول و بازارها است. چارچوب حاکمیتی هر شرکتی بستگی به محیط قانونی، نظارتی و نهادی دارد و عواملی چون منشور اخلاقی (اخلاق کسب‌وکار) و آگاهی شرکت از مسئولیت‌های اجتماعی (شامل موارد زیست‌محیطی) و موردعلاقه جوامعی که شرکت در آن به فعالیت اشتغال دارد، می‌تواند در حسن شهرت و موفقیت بلندمدت و پایداری شرکت‌ها (Sustainability) مؤثر باشد. توسعه پایدار ناشی از مسئولیت‌های اجتماعی دولت به مفهوم عام (شامل مؤسسات و بنگاه‌های دولتی) از یک‌طرف و مسئولیت‌های اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی از طرف دیگر است؛ در همین رابطه مدت‌هاست که روشی به نام «حسابداری مسئولیت‌های اجتماعی» به‌عنوان ابزار اندازه‌گیری مؤلفه‌های توسعه پایدار در کشورهای پیشرفته جهان به‌کار گرفته می‌شود. این نوع حسابداری بخشی از دانش حسابداری محسوب می‌شود که هدف آن اندازه‌گیری گزارشگری شهرت اجتماعی (هزینه- منفعت اجتماعی) ناشی از فعالیت‌های تجاری بنگاه‌های اقتصادی است. در واقع از آنجا که واحد تجاری هم به‌مثابه آحاد شهروندان مکلف به رعایت بسیاری مقررات اجتماعی نظیر رعایت حقوق بشر، عدم به‌کارگیری کودکان در کارخانجات، رعایت مساوی حقوق زن و مرد در پرداخت مزد، رعایت مقررات گلخانه‌ای و زیست‌محیطی و کنترل آلودگی محیط‌زیست است، بنابراین حسابداری مسئولیت‌های اجتماعی در رعایت حقوق ذی‌نفعان درصدد آن است که با ارائه گزارشگری خاص اندازه هر یک از اثرات اجتماعی مورد نظر را به استفاده‌کنندگان از گزارشات مالی نشان دهد. متأسفانه در کشور ما با وجود آنکه آلودگی هوا و مسائل زیست‌محیطی به یکی از معضلات پایدار تبدیل شده، هیچ‌گونه اشاره‌ای به این قبیل مسائل در گزارشات حسابداری و حتی حسابرسی در بخش عدم رعایت سایر مقررات نشده زیرا مرجع استانداردگذار دولتی ظاهرا در محیطی پاک و استاندارد غافل از این‌گونه مسائل بوده که مقررات خاصی را برای گزارشگری آنها تدوین کند. شاید هم اساسا مرجع استانداردگذار دولتی همچون دولت که صرفا به آمار و ارقام استخراجی اتکا دارد، چندان علاقه‌مند به حفظ جان آدمیزاد، تنفس زندگان و دریاچه ارومیه و ده‌ها مسئله زیست‌محیطی «توسعه پایدار» نباشد، درحالی‌که اصل (۵۰) قانون اساسی به‌صراحت اشعار داشته «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشد داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. ازاین‌رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل‌جبران ملازمه پیدا کند، ممنوع است». این اصل هم‌سویی کامل با جامع‌ترین تعریف توسعه پایدار که همانا «رفع نیازهای حال‌حاضر بدون به‌خطرانداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای موجود» است را دارد و اگرچه مصداق واقعی این موضوع مدت‌هاست در جهان به‌عنوان پدیده تداوم زیست انسان‌ها مطرح است، رسما در ایران به فراموشی سپرده شده و فقط آن‌هنگام که ضریب آلودگی هوا در پایتخت بیداد می‌کند، مدارس را تعطیل یا طرح ممنوعیت خودرو از درِ خانه را اجرا می‌کنیم اما از تذکر عدم رعایت آن در هیچ گزارش خاصی خبری نیست!

۱.عضو شورای راهبردی مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت دایا- رهیافت

۲.عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت‌مدرس

خبر

گزارش روزنامه اسپانیایی از جولان «پورشه» در ایران

● **ایرنا:** روزنامه «ال موندو» اسپانیا، ایران را صدرنشین واردکنندگان خودروهای پورشه در منطقه خاورمیانه معرفی کرد و نوشت: پس از وقوع چند تصادف مرگبار و بازتاب گسترده آن، دستور برخورد با رانندگانی که خودروهای لوکسشان را با سرعت غیرمجاز می‌رانند، صادر شد. این رسانه اسپانیایی همچنین به مواردی از بروز سانحه برای چند خودرو گرانقیمت در تهران اشاره کرده و افزوده است: انتشار این اخبار بازتاب گسترده‌ای بین مردم و رسانه‌ها داشت. در ادامه گزارش آمده است: در سال‌های گذشته، واردات ماشین‌های لوکس در ایران افزایش قابل‌توجهی یافت و شمار این خودروها در دولت قبلی به اوج رسید که دلیل آن کسب درآمدهای بادآورده توسط عده‌ای با فرصت‌طلبی از تحریم‌ها بود. در پایان این مطلب آمده است: ایران کشوری است که وارد کننده بیشترین تعداد پورشه در تمامی خاورمیانه است. بنا به اعلام شرکت پورشه این شرکت در سال ۲۰۱۱ بیشترین فروش اتومبیل در خاورمیانه را در ایران داشته است.

هجوم عسل‌های غیراستاندارد در بازار

● **ایسنا:** مدیرعامل اتحادیه سراسری زنبورداران گفت: تعداد عسل‌های تقلبی در بازار اندک نیست، چراکه افراد زیادی بدون دخالت زنبور، عسل تولید می‌کنند و از زمانی که استاندارد اجباری عسل حذف شد، هیچ‌کس خود را ملزم به رعایت استاندارد نمی‌بیند و همین امر موجب هجوم تولید عسل‌های دست‌ساز شده است. عفت رئیسی‌سرحدی درخصوص نحوه تولید عسل بدون دخالت زنبور اظهار کرد: درحال‌حاضر در اکثر صنف‌ها همچون تولیدکنندگان زعفران چنین اقدامی صورت می‌گیرد، اما اگر کنترل و قیمت‌گذاری توسط اتحادیه باشد بسیاری از این اتفاقات رخ نمی‌دهد. وی با بیان اینکه عده‌ای از افراد بیزینس زنبورداری را با تخلف پیش می‌برند، گفت: این‌گونه عسل‌ها از گلوکز تولید می‌شوند و تنها درصد کمی عسل در آنها وجود دارد. مدیرعامل اتحادیه سراسری زنبورداران در پاسخ به این سؤال که این‌گونه عسل‌ها چند درصد از بازار را به خود اختصاص داده‌اند؟ اظهار کرد: نمی‌توان آمار دقیقی در این‌باره اعلام کرد، اما پس از لغو استاندارد اجباری عسل از سوی سازمان ملی استاندارد، میزان عسل تقلبی در بازار بسیار زیاد شد.